

تاوان فروپاشی صنایع ایران را کارگران می‌پردازند!

بهرام رحمانی

bsmdadpressswipnet.se

شرط اساسی برای وجود و سلطه بورژوازی، عبارت از انباشته شدن سرمایه در دست اشخاص و کار مزدی است. رژیم جمهوری اسلامی، به عنوان حافظ منافع بورژوازی، تمام ماشین سرکوب خود را به کار گرفته است تا از یک سو استثمار شدید کارگران را سازمان دهد و از سوی دیگر مبارزه آنان را برای بهبود وضع اقتصادی و سیاسی، به وحشیانه‌ترین شکلی سرکوب نماید.

امروز جمهوری اسلامی، در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکست خورده است. بار سنگین این شکست بر دوش کارگران و مزدبگیران گذاشته شده است. در اثر فروپاشی صنایع، نه تنها سطح اشتغال به شدت پایین آمده است بلکه، ده‌ها هزار کارگر نیز به میان ارتش بی‌کاران پرتاب شده‌اند، این‌ها حتا از تامین نیازهای اولیه زندگی خود و خانواده‌شان ناتوان هستند. نه بیمه بی‌کاری وجود دارد و نه کار.

در حالی که محمد خاتمی رییس جمهور، در توضیح لایحه بودجه ۱۳۸۲ در مجلس شورای اسلامی، از رشد صنایع و اشتغال سخن به میان آورده است، دبیرکل خانه کارگر رژیم گفت: امسال بیش از ۶۰ واحد تولیدی صنعتی کوچک و بزرگ در کشور تعطیل شده و حدود ۲۸ هزار کارگر کارشان را از دست داده‌اند.

به گزارش ایرنا، دبیرکل خانه کارگر گفت: براساس آمارهای دریافت شده بیش از ۶۰۴ واحد تولیدی صنعتی در نقاط مختلف کشور در وضعیت بسیار ناگواری به سر می‌برند.

وی اضافه کرد: بخش نساجی بیش از همه صدمه دیده و امسال ۱۴ واحد نساجی تعطیل شده و بیش از ۲۰ واحد در حال تعطیلی است. وی قاجاق، واردات و بی‌توجهی در حمایت از تولید، عدم تناسب نرخ سود بانکی و تورم را از جمله عوامل متضرر شدن واحدهای تولیدی صنعتی عنوان کرد.

محبوب گفت: به جهت این که صنعت در حال رکود است و حدود ۳۵ درصد هزینه‌های تولید بیش‌تر از هزینه‌های کشور همسایه پاکستان می‌باشد، صنعت نساجی حتا در برابر همسایگانی که از نظر اقتصادی بضاعت کم‌تری از ما دارند، توان مقاومت با آن‌ها را ندارد. علی‌رضا محبوب چندی پیش نیز گفته بود: ۸۰۰ کارخانه بزرگ کشور با بحران مواجهند.

محبوب که در کنگره سالانه خانه کارگر و همایش دو روزه دبیران و هیات‌های اجرایی خانه کارگر سراسر کشور، در سنگاچین بندر انزلی سخن می‌گفت با انتقاد شدید از سیاست خصوصی‌سازی در ایران افزود: سیاست خصوصی‌سازی عده‌ای افراد بی‌کار را بر اقتصاد ایران مسلط کرده است. محبوب، گردش درآمد ارزی کشور در سال گذشته را بین ۴۸ تا ۵۰ میلیارد دلار اعلام کرد و گفت: میزان سپرده‌گذاری در نزد بانک‌ها در سال ۸۰، ۱۵۳ هزار میلیارد ریال بوده است که ۷۰ درصد آن متعلق به ۲ درصد از سپردگان است و در واقع فقرا هیچ نقشی در سپرده‌گذاری در بانک‌ها نداشته‌اند.

خاتمی هنگام معرفی لایحه بودجه سال ۱۳۸۲، در مجلس شورای اسلامی، در مقایسه با ارقام بودجه سال ۱۳۸۱، گفت، بودجه کل کشور، برای سال آینده ۲۱ درصد و بودجه عمومی حدود ۱۱ درصد رشد را نشان می‌دهد.

خاتمی، طبق معمول در معرفی بودجه، ادعا کرد که در همه زمینه‌های اقتصادی «موفقیت» و «رشد» وجود دارد، از جمله او، در زمینه‌سازی اشتغال بیش‌تر و مقابله با بی‌کاری در کشور، در لایحه بودجه سال ۱۳۸۲ گفت: علاوه بر اتمام سریع‌تر طرح‌های عمرانی که افزایش تولید و اشتغال را دارد، ظرفیت‌سازی فزاینده برای پروژه‌های بهره‌مند از منابع خارجی و فایناس، اختصاص ۴۵۰۰ میلیارد ریال از منابع بخش عمومی با بهره‌اندک و حدود ۴ میلیارد دلار از منابع ارزی حساب ذخیره ارزی را از دیگر راهکارهای دولت برای ایجاد اشتغال در سال آینده عنوان کرد. خاتمی ابراز امیدواری کرد که دولت بتواند علاوه بر تامین حدود ۵۵۰ هزار فرصت شغلی پایدار که با رشد اقتصادی حدود ۶ درصد پیش‌بینی شده است، حداکثر میزان اشتغال را در سال ۸۲ محقق سازد.

کلیه اظهار نظرهای کارشناسان و اقتصاددانان، بر خلاف ادعای خاتمی، اذعان کرده‌اند که طرح‌های دولت در زمینه اشتغال ناموفق بوده است. به عنوان مثال در بودجه سال گذشته قرار بود حدود ۷۵۰ تا ۸۰۰ هزار شغل ایجاد شود، اکنون معلوم نیست به چه دلیلی این مسئله، در بودجه سال ۱۳۸۲ به ۵۵۰ هزار شغل تقلیل یافته است؟

در این میان روزنامه همشهری، روز شنبه ۳۰ آذر ماه ۱۳۸۱، در مقاله‌ای تحت عنوان «صنعت بزرگ، اما کوچک» نوشت: ... ما آن چنان هم که می‌گویند در رویای صنعتی

بودن نمی‌سوزیم فقط کافی است یک روز سرازیر شوید در جاده‌هایی که تهران را به کرج دوخته‌اند، کارخانه‌های بسیاری را می‌بینید که دیوار به دیوار یکدیگر ایستاده‌اند. تازه این همه کار نیست. امروز در حاشیه شهرهای کویری و بسیاری از نقاط کشور بیش از ۸۰ شهرک صنعتی صبح تا شب سرفه فنی می‌کنند، اما باز هم معلوم نیست که چرا سهم صنعت از اقتصاد ملی ما حتا به ۱۵ درصد هم نمی‌رسد. شاید حق با داوود مسکریان حقیقی _ معاون مالی اقتصادی سازمان گسترش و نوسازی صنایع _ باشد. او می‌گوید: صنعت ما در عین بزرگی، کوچک است، این کوچکی زمانی برجسته می‌شود که مقیاس تولید صنایع خودمان را با رقبای خارجی مقایسه می‌کنیم.

روزنامه همشهری، گفت و گویی با مسکریان حقیقی، انجام داده است. توجه خوانندگان را به گوشه‌ای از این مصاحبه جلب می‌کنیم.

«از او، سؤال می‌شود که امروز صنعت ایران در شرایطی قرار دارد که بسیاری از صاحب‌نظران اعلام می‌کنند از مسیر اصلی خود خارج شده است. در چنین شرایطی از ۱۴۰ فعالیت صنعتی شناخته شده در جهان بیش از ۱۳۰ نوع آن در ایران وجود دارد. حال این سؤال مطرح است که آیا می‌توان به راهکاری دست یافت که براساس آن مشخص شود کدام‌یک از فعالیت‌های صنعتی عامل اصلی عدم موفقیت مجموعه مجموعه تولید ایران هستند؟»

مسکریان، در جواب می‌گوید... ما، بعد از انقلاب به تعداد بسیار زیادی از فعالیت‌های صنعتی نوک زدیم و در حال حاضر هم در جایی ایستاده‌ایم که فقط می‌گوییم بخش صنعت ما مشکل دارد و درگیر معضلات وحشتناکی است اما در مورد این که مشکل صنعت چیست هیچ کار قابل ملاحظه‌ای صورت نمی‌گیرد و به صورت واقعی معضل صنعت تحلیل نمی‌شود...

او، در جواب سؤال دیگری نیز می‌گوید، من کاملاً با بخش اول سؤال شما موافقم. ما بعد از انقلاب به دلیل تحول ایجاد شده در کشور و همچنین شرایط جهانی طی دو دهه گذشته وارد بسیاری از شاخه‌های صنعتی شدیم که اگر به سمت آن‌ها نمی‌رفتیم

بسیار بهتر بود و به طور حتم وضع صنعت کشور نیز مثل امروز نبود. تنها نتیجه کار، گسترده و متنوع شدن فعالیت‌های صنعتی بود، ما بعد از انقلاب ۵۷ به سمت یک اقتصاد بسته و متمرکز حرکت کردیم...».

مسئله، در هر جامعه رشد و شکوفایی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، با دخالت مردم امکان‌پذیر است. یعنی نمی‌توان به لحاظ سیاسی جامعه را به طور مداوم سرکوب کرد، رعب و وحشت و ترور راه انداخت؛ موقعیت شغلی برای نیروی کار جوان ایجاد نکرد؛ دستمزد مورد توافق کارگران را پرداخت نکرد؛ بین افزایش دستمزدها و تورم هیچ تناسبی به وجود نیارود اما، در عین حال انتظار داشت بخش‌های دیگر جامعه، از جمله بخش صنعت از رشد و شکوفایی برخوردار گردد.

عملکردهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی، به حدی حاد شده است که در میان زنان، جوانان و کارگران، پدیده وحشتناکی به نام خودکشی در سطح وسیعی به وجود آمده است.

روزنامه اعتماد، در مورد پدیده خودکشی نوشت: مدتی است که اخبار مربوط به خودکشی جوانان را مرتب از روزنامه می‌خوانیم. اخبار مربوط به خودسوزی، زدن رگ و پریدن از پل‌های هوایی اخبار نگران‌کننده و دردآوری که نشان از یک معضل اجتماعی حاد به نام «خودکشی» دارد. این روزنامه می‌افزاید: اگر جامعه نتواند زمینه سعادت و خوشبختی فرد را فراهم کند و گذشته از آن به سرکوب خواسته‌ها و نیازهای فرد پردازد، فرد با فاصله انداختن بین خود و جامعه در مقابل آن خواهد ایستاد. ایستادگی که با فرایندهای روانی و روحی به جایی می‌کشد که فرد خودش را در مقابل جامعه به آتش می‌کشد. با کمی تأمل به انگیزه‌های خودکشی‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر متوجه خواهیم شد که بحران‌هایی چون بی‌کاری، عدم موفقیت در تحصیل و ازدواج که زمینه‌های اجتماعی دارند، نبود یک آینده روشن و مطمئن در پیش روی جوانان، به هم خوردن برنامه‌های فردی توسط جامعه، عدم پذیرش فرد بحران زده از سوی جامعه، طرد و زیر فشار قرار گرفتن این افراد به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه از سوی نهادهای اجتماعی چون خانواده، آموزش و پرورش و سیستم‌های

کنترلی نظم اجتماعی، بدون توجه به ویژگی‌های روحی و روانی درک شرایط فرد دست به دست هم داده و فرد را در مرز نیستی قرار می‌دهد. این روزنامه در آخر می‌نویسد: هنوز از اقدام به خودکشی دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران چند صباحی نمی‌گذشت که دختری خود را از پل هوایی اتوبان مدرس پرت می‌کند و خودکشی دانش‌جوی دانشگاه خواجه نصیر به آن شکل فجیع و... وجود بحران‌های اقتصادی و فرهنگی در جامعه ما عملاً با بحث‌های مختلفی که هر روزه از رسانه‌ها شاهد آن هستیم برای کسی پوشیده نیست... اما حوادث اخیر بیانگر ضرورت توجه به مساله خودکشی و بازنگری در برنامه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

روزنامه کیهان، ۱۹ آبان ۱۳۸۱، به نقل از دبیر اجرایی خانه کارگر رژیم در زنجان نوشت: کارگران کارخانه آگفا که ۸ ماه است حقوق نگرفته‌اند، با مشکلاتی نظیر عدم پرداخت اقساط بدهی‌ها، عدم تامین مایحتاج زندگی روبه‌رو هستند و این مشکلات درگیری خانوادگی، طلاق و اقدام به خودکشی برخی از کارگران را در پی داشته است.

روزنامه کیهان، ۲۱ آبان ۱۳۸۱، به نقل از یکی از کارگران معترض کارخانه ریسندگی مهیار اصفهان که ۱۱ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، نوشت: دو نفر از همکاران ما به علت مشکلات مالی در چند روز گذشته دست به خودکشی زده‌اند، ۳ نفر از خانه فرار کرده‌اند و ۳ مورد نیز منجر به جدایی و متلاشی شدن خانواده شده و همسر کارگرانی که حقوق‌شان به تعویق افتاده از آن‌ها جدا شده‌اند.

روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ آبان ۱۳۸۱ می‌نویسد: ۶ روز پیش یک مرد ۳۶ ساله در مقابل اداره کار کرمانشاه، با نارنجک جنگی اقدام به خودکشی کرد. این شخص، بر اثر بی‌کار شدن نارنجک جنگی را در سینه خود منفجر کرد.

روزنامه خراسان، ۳ آذر ۱۳۸۱، به نقل از بانک جهانی نوشت: درآمد روزانه ۲۰ درصد از ایرانیان کم‌تر از یک دلار است. نماینده بانک جهانی، در تشریح شاخص‌های این بانک‌ها در تعریف فقر نوشت: فقر از نظر بانک جهانی درآمد، کم‌تر از یک دلار روزانه برای هر خانوادار تعریف شده است. بانک جهانی از فقر ۱۵ تا ۲۰ درصد مردم

ایران خبر داد.

روزنامه رسالت، ۴ آذر ۱۳۸۱، به نقل از دبیر اتحادیه کفاشان دست دوز نوشت: واردات کفش های ارزان قیمت چینی، صنایع کفش دوز را با بحران مواجه کرده است. او گفت: این واردات بی رویه و غیرقانونی تقریباً ۳۰ درصد از کارگاه های تولید کفش را با تعطیلی مواجه ساخته است...

به نوشته روزنامه رسالت، ۴ آذر ۱۳۸۱، کارکنان کارخانه لوله سازی خوزستان در اعتراض به دریافت نکردن حقوق ۸ ماهه خود در مقابل حوزه علمیه اهواز دست به تجمع زدند. رسالت نوشت: حدود ۸۰۰ نفر از کارکنان لوله سازی خوزستان در مدت ۸ ماه گذشته از دریافت حقوق خود محروم مانده اند و حتا در وحشت از شورش کارگران، امام جمعه اهواز نیز در چند هفته گذشته در خطبه های نماز جمعه خواستار دخالت رییس جمهور و وزیر صنایع و معادن برای حل مشکلات آن ها شده است.

ماهنامه اقتصاد ایران، در شماره ۴۴ مهر ماه ۱۳۸۱ نوشت: چشم انداز کلان اقتصاد ایران در باقی مانده سال ۸۱، با وجود وعده های مسئولان مبنی بر شاخص های کلان اقتصادی، تغییرات مثبتی را نسبت به اوایل سال جاری نشان نمی دهد.

این مسائل که فقط گوشه هایی از فجایع عظیم انسانی و اجتماعی در جمهوری اسلامی را نشان می دهد، حاکی از این واقعیت است که محمد خاتمی رییس جمهور، در گزارش لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی، از رشد و گسترش بخش صنعت و بهبود اجتماعی مردم، حرف می زند آشکارا دروغ گویی سردمداران رژیم، از جمله خاتمی را برملا می سازد. خاتمی، لابد حساب و کتاب «بهبود» اقتصادی و اجتماعی را با مبالغ هنگفت و کلان اطرافیانش می سنجد که روزبه روز چاق تر و فربه تر می گردند و ثروت های میلیاردی باد آورده می اندوزند. ثروت این ها با دزدی، چپاول، قاچاق های مختلف از جمله قاچاق مواد مخدر، استثمار شدید کارگران و همه حقوق بگیران و نهایت با ریختن خون ده ها هزار انسان اندوخته شده است.

رژیم جمهوری اسلامی، فقط با سرکوب، کشتار، زندان، شکنجه، سنگسار، اعدام، ترور، سانسور و اختناق به حیات غیرانسانی و وحشیانه خود ادامه می دهد. این رژیم، از

فرقه‌های مافیایی و تروریستی تشکیل شده است که در راه منافع اقتصادی و سیاسی خود، دست به هر جنایتی می‌زند. در چنین رژیم ارتجاعی و عقب مانده نباید انتظار داشت صنعت رشد یابد؛ وضع معیشت مردم و به خصوص کارگران بهبود پیدا کند؛ آزادی سیاسی، فردی و اجتماعی رعایت شود و سانسور و اختناق کم‌رنگ گردد. امروز رژیم جمهوری اسلامی، در باتلاق بحران اقتصادی و سیاسی گیر کرده است که با هر حرکتی بیش‌تر در این باتلاق فرو می‌رود. این رژیم، در معرض سرایشی سقوط قرار گرفته است و به سرعت به سوی گورستان تاریخ، در حرکت است. هیچ جریانی نمی‌تواند مانع سقوط رژیم جمهوری اسلامی گردد. چرا که اولاً، تاریخ مصرف این رژیم، خاتمه یافته است، از این رو وجودش متعفن و مسموم‌کننده است؛ دوماً، اکثریت مردم ایران، خواهان برکناری آن هستند.

جمهوری اسلامی، قادر نیست در هیچ‌کدام از زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله در بخش صنایع بهبودی به وجود آورد. امروز صنایع کشور، در معرض فروپاشی قرار گرفته است و تاوان آن را کارگران می‌پردازند. با بسته شدن هر کارخانه و مرکز تولیدی، بر تورم بی‌کاری در کشور، افزوده می‌شود. سهم توده‌های محروم و ستم‌دیده و زحمتکش از اقتصاد و سیاست ایران، چیزی جز فقر و فلاکت و سرکوب، در ۲۳ سال حاکمیت خونین جمهوری اسلامی، چیز دیگری نبوده است.

در چنین شرایطی کارگران، زنان و جوانان، به طور روزمره برای بهتر شدن وضع اقتصادی و اجتماعی خود مبارزه سختی می‌کنند و اکثریت مردم ایران، راهی جز مبارزه برای سرنگونی این رژیم، در مقابل خود تصور نمی‌کنند. متشکل نبودن توده‌های کارگر، یکی از مهم‌ترین ضعف جنبش ماست، رمز پیشروی جنبش کارگری نیز امکان غلبه بر این ضعف است. بدون شک مبارزه کارگران و اعتصاب و تجمعات در میادین شهرها و در مقابل ارگان‌های رژیم، نقطه قوت مهم جنبش کارگری در حال حاضر است. این نقطه قوت باید به خوبی از سوی کارگران آگاه، پیشرو و رهبران عملی جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل شود تا این جنبش خود را برای تحولات و دگرگونی‌های سرنوشت‌ساز در جهت

سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری به بهترین وجهی آماده سازد. بی شک تنها با سرنگونی این رژیم ستم‌گر و استثمارگر رفاه، آزادی، برابری، سعادت و عدالت اجتماعی، بر فضای جامعه ایران، حاکم خواهد شد.

۲۲ دسامبر ۲۰۰۲